مطالعه جامعه‌شناختی مشکلات دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مسئله‌یابی پایان‌نامه

(مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران، الزهرا و علامه طباطبایی)[1]

محمد توکل[2]
محمدامین قانعی‌راد[3]
مرضیه ذوالفقاری[4]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰٤/۰٤
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۷

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی جامعه‌شناختی مشکلات دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه بوده است. بررسی مشکلات بر اساس مطالعات کیفی (توصیفی و تبیینی) و با توجه به مصاحبه با سی نفر از دانشجویان و اساتید از دانشگاه‌های تهران، الزهرا(س) و علامه صورت گرفت. مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی؛ بر اساس مفاهیم جامعه‌پذیری، پارادایم و اجتماع علمی تبیین شد. بدین‌صورت‌که ضعف در اجتماعات علمی و فقدان پارادایم‌ها، به عنوان فرضیاتی در نظر گرفته شدند که مشکلات حاصل از آن‌ها در نهایت باعث مشکلاتی در فرایندهای جامعه‌پذیری دانشجویان می‌شود و با توجه به فرضیه مطالعه حاضر باعث مشکلاتی در مسئله‌یابی پایان‌نامه می‌شود. نتایج تحقیق نشان دهنده مشکلاتی مانند نداشتن حوزه مورد علاقه، نداشتن سؤال جامعه‌شناختی، تردید در مسئله‌یابی،

مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (سال ۱۳۹۰) است.[1]

[2]. استاد دانشگاه تهران mtavakkol@gmail.com
[3]. دانشیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ghaneirad@yahoo.com
[4]. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تهران. zolfagharim@ut.ac.ir

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مشکلاتی در ارتباط با نظام آموزشی مدرسه و دانشگاه، فقدان بحث‌های علمی در گروه‌های جامعه-شناسی و تعاملات اندک بین اساتید و دانشجویان و اساتید با یکدیگر است.

واژگان کلیدی:

مسئله‌یابی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌پذیری، پارادایم، اجتماع علمی.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مقدمه و بیان مسئله

نظام آموزش عالی و دانشگاه مهم‌ترین نهاد علمی کشور است و علاوه بر آن یکی از نهادهای تولید علم در ایران محسوب می‌شود. آموزش و پژوهش به عنوان مهم‌ترین اهداف دانشگاه‌ها شناخته می‌شوند. پژوهش یکی از اساسی‌ترین وظایف دانشگاه‌ها است که باید توسط کنش گران هر حوزه تخصصی (اساتید و دانشجویان) صورت گیرد. با توجه به نقش حیاتی نظام آموزش عالی و دانشگاه در نظام تحقیقاتی کشور، هرگونه ضعف و مشکل در انجام پژوهش می‌تواند سایر اجزای نظام تحقیقاتی و تولید علم در کشور را با پیامدهای منفی مواجه نماید.

پژوهش‌های گوناگونی در نظام تحقیقاتی ایران انجام می‌شود. در این زمینه، پژوهش‌های دانشگاهی از مهم‌ترین پژوهش‌ها هستند؛ به‌ویژه پژوهش‌هایی که توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی صورت می‌گیرند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی تحقیقات مختلفی را در دوران تحصیل انجام می‌دهند. مهم‌ترین فعالیت علمی دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری در تمامی رشته‌ها –از جمله جامعه‌شناسی– پایان‌نامه[1] است. تدوین پایان‌نامه دارای اهمیت فراوانی است؛ زیرا «یکی از منابع اصلی در شناسایی کم و کیف رشته تحصیلی محسوب می‌شود.» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸ :۱۶۲–۱۶۱). همچنین، «پایان‌نامه نویسی دانشجویان را از جهان مطالعه به جهان تخصص پیوند می‌دهد و علاوه بر آن می‌تواند باعث مشکلاتی در ارتباط با ترک تحصیل، طولانی شدن زمان تحصیل و اضطراب و نگرانی‌هایی برای دانشجویان شود.» (اُ[2] ، ۲۰۰۱). در ارتباط با اهمیت پایان‌نامه و پایان‌نامه نویسی در رشته جامعه‌شناسی می‌توان به دو پژوهش فاضلی (۱۳۸۰) ودیگان[3] و هیل[4] (۱۹۹۱) اشاره نمود. فاضلی به بررسی ناکارآمدی جامعه‌شناسی در ایران پرداخته است. او یکی از علل بازتولید ناکارآمدی جامعه‌شناسی را نگارش پایان‌نامه دانسته و بر همین اساس پایان‌نامه نویسی در رشته جامعه‌شناسی را مورد بررسی انتقادی قرار داده است. فاضلی شرح مفصلی درباره عناصری که برشکل‌گیری یک پایان‌نامه موثر هستند را ارائه داده و سپس براساس این شرح، نقش پایان‌نامه را در بازتولید ناکارآمدی جامعه‌شناسی مشخص کرده است. مدعای او در این زمینه « بر پذیرش علم به مثابه

[1] Thesis
[2] Oh
[3] Deeg
[4] Hill

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

کنش جمعی و بر شمردن کارکردهای مترتب بر نگارش پایان‌نامه برای بازتولید اجتماع علمی جامعه‌شناسی مبتنی است.» (فاضلی، ۱۳۸۰).به علاوه، دیگان و هیل « فرایند پایان‌نامه جامعه-شناسی را یک سفر آستانه‌ای[۱] دانسته‌اند و معتقدند که یک راهی است که با ابهام و نامشخص بودن توصیف می‌شود. در این فرایند خود[۲] دانشجو ترک می‌شود و یک خود جدید حرفه‌ای؛ جهانی از قدرت، اقتدار، بلوغ و مسئولیت را ادعا می‌کند.» (دیگان و هیل، ۱۹۹۱).

نگارش یک پایان‌نامه همانند هر پژوهش دیگر، دارای مراحل مشخصی است. در دیدگاه پوپر، نقطه آغاز هر پژوهش یک مسئله یا یک موقعیت مسئله‌آفرین است. زیرا «علوم طبیعی و اجتماعی همیشه با مسئله‌ها آغاز می‌شوند، از این واقعیت که به قول فلاسفه یونان چیزی در ما حیرت بر می‌انگیزد.» (پوپر، ۱۳۸۳ :۱۰). « از دچار حیرت شدن از چیزی که می‌تواند به خودی خود امری کاملاً عادی باشد، اما برای اندیشمندان علمی به یک مسئله و یا منشأ حیرت تبدیل می‌شود.» (همان: ١٤). بنابراین، مسئله‌یابی اولین گام در هر فرایند پژوهشی- از جمله پایان‌نامه- است که می‌توان آن را یکی از دشوارترین مراحل در انجام پژوهش دانست؛ هر چند که « در ابتدا به نظر می‌رسد یافتن مسئله و طرح آن به صورت سؤال آسان است. به گفته مرتون یافتن و فرموله کردن مسئله بسی دشوارتر از حل آن است. یافتن یک مسئله ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها طول بکشد. مسئله‌یابی؛ سردرگمی، خستگی، دلبستگی و تنفر را با خود همراه دارد.» (ساعی، ١٣٨٦). در نتیجه، مسئله‌یابی نیازمند تجارب، اطلاعات و مهارت-های ویژه‌ای است. پس از مسئله‌یابی باید به حل مسئله پرداخت و به طور کلی، هر فرایند پژوهشی را می‌توان به دو بخش مسئله‌یابی و حل مسئله تقسیم نمود.

دانشجویان رشته جامعه‌شناسی در رشته‌ای تحصیل می‌کنند که دارای ارتباط تنگاتنگی با جامعه است و این دانشجویان با توجه به ماهیت رشته‌شان، همواره با مسائل و مشکلات متنوع در جامعه برای تحقیق کردن روبرو می‌شوند. دانشجویان مذکور باید با توجه به تجارب، اطلاعات، مهارت‌ها و دانش‌هایی که در سال‌های آموزش دانشگاهی کسب کرده‌اند، به مسئله-یابی بپردازند. همچنین، این رشته دارای حوزه‌های متنوعی است که مسئله‌یابی دانشجویان

[۱] Liminal
[۲] Self

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

برای پایان‌نامه باید مبتنی براین حوزه‌ها باشد، تا پس از مشخص شدن حوزه و مسئله مورد بررسی، براساس نگاه آن حوزه به انجام کار تحقیقی جامعه‌شناختی (پایان‌نامه) بپردازند. مسئله-یابی برای پایان‌نامه یکی از مهم‌ترین و دشوارترین مراحل در نگارش پایان‌نامه است و « اغلب مشاهده می‌شود که دانشجویان در مسئله‌یابی با مشکل مواجه می‌شوند و حتی پس از یافتن مسئله، قادر به بیان صحیح آن نیستند. یافتن و فرموله کردن مسئله پایه تحقیق علمی است.» (همان). یکی از تحقیقات پیشین نیز از مشکل دانشجویان در مسئله‌یابی پایان‌نامه حکایت دارد. آزاد ارمکی (۱۳۷۸) به بررسی پایان‌نامه‌های موجود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (سال‌های ۱۳۷۵-۱۳٤۰) در دو دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری در رشته‌های جامعه-شناسی، مردم‌شناسی و توسعه و رفاه، پرداخته است. آزاد ارمکی معتقد است که پایان‌نامه‌های دانشجویی دارای چند ویژگی هستند؛ از جمله: «پایان‌نامه‌های دانشجویی دارای عناوین کلی بوده و کمتر سعی در آزمون یکی از مفاهیم و یا مباحث مطرح در جامعه‌شناسی را دارند. همچنین، در اکثر پایان‌نامه‌ها کمتر توجهی به روش‌های علمی نگارش و بررسی وجود دارد و اغلب این کارها در مسئله‌یابی دچار مشکل شده‌اند.» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸ :۱۸۹-۱۸۸).

بنابراین ملاحظه می‌شود که علی‌رغم اهمیت پایان‌نامه، پژوهش درباره آن به عنوان یک موضوع تحقیقی در حوزه جامعه‌شناسی اندک است. تحقیقات انجام شده نیز از چند زاویه مختلف به پایان‌نامه و پایان‌نامه نویسی پرداخته‌اند. در نتیجه، بررسی مشکلات دانشجویان جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه یکی از زوایای جدید تحقیقی است که می‌تواند به غنی شدن و کامل‌تر شدن نتایج تحقیقات پیشین یاری رساند و نهایتاً بتوان به انباشت دانش در ارتباط با این موضوع (پایان‌نامه) دست یافت. براساس این هدف، پرسش‌هایی مطرح می‌شوند که هدف از طرح آن‌ها بررسی کامل و همه جانبه مشکلات دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه-شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه است. پرسش‌هایی که عبارت‌اند از: ۱- مشکلات دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه چیست؟ ۲- چرا دانشجویان کارشناسی-ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه مشکلاتی دارند؟ نکته شایان ذکر اینکه، در این تحقیق چگونگی مسئله‌یابی پایان‌نامه مورد نظر نیست و فقط به بررسی مشکلات دانشجویان (بر اساس پرسش‌های مذکور) پرداخته می‌شود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

ادبیات نظری

ادبیات نظری مطالعه حاضر برمبنای سه مفهوم «جامعه‌پذیری[1]»، «پارادایم[2]» و «اجتماع علمی[3]» شکل گرفته است. زیرا همواره به ازای هر واقعه‌ای یک تئوری وجود ندارد و باید با توجه به مسئله مورد بررسی، نزدیک‌ترین تئوری موجود را انتخاب کرد. برهمین اساس سه مفهوم مذکور انتخاب شدند؛ زیرا مسئله‌یابی ارتباط نزدیکی با مفاهیم فوق دارد. مهارت‌های مسئله-یابی به تدریج و در طی سالیان متوالی در دانشجویان درونی می‌شوند و دانشجویان این مهارت‌ها را می‌آموزند. به علاوه، انجام فعالیت‌های پژوهشی باید در درون اجتماعات علمی صورت گیرد و مسئله‌یابی برای پژوهش در رشته جامعه‌شناسی باید مبتنی بر حوزه‌ای خاص باشد تا اینکه بتوان براساس نگاه آن حوزه به مسائل، به مسئله‌یابی پرداخت. به علاوه، انتخاب این مفاهیم بر سه مبنا استوار بود: ۱- نگرش جامعه‌شناختی تحقیق حاضر به مسئله پژوهش؛ ۲ – مطالعه؛ ۳- مشورت با متخصصان.

جامعه‌پذیری: مفهوم جامعه‌پذیری یکی از مفاهیم کلیدی و اساسی در جامعه‌شناسی است. تمام انسان‌ها – از بدو تولد- در معرض فرایندهای جامعه‌پذیری قرار می‌گیرند. تعامل با دیگران در جامعه باعث می‌شود که افراد ارزش‌ها، اصول و رفتار جامعه‌ای که عضو آن هستند را بیاموزند. « به محض اینکه یک کودک متولد می‌شود، اعضای اجتماع شروع به تأثیرگذاری بر اعتقادات، شخصیت و رفتار کودک می‌کنند. فرایندهای جامعه‌پذیری، افراد بشر را به عنوان کنشگران اجتماعی و اعضای اجتماع از حیوانات متمایز می‌کند. فرایندهای یادگیری از دوران کودکی آغاز می‌شود، اما در سراسر زندگی فرد ادامه می‌یابد.کودکان در حال رشد از طریق تعامل با دیگران در جامعه؛ به تدریج زبان می آموزند و اعتقادات و رفتارگروهی که در آن زندگی می‌کنند را فرا می‌گیرند. البته از آنجایی‌که ارزش‌ها و رفتار گروه‌ها متفاوت است، بنابراین فرایندهای جامعه‌پذیری از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. بنابراین یکی از

[1]Socialization
[2]Paradigm
[3]Scientific Community

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

عقاید اصلی جامعه‌شناسی این است که بخش اعظم رفتار تمام انسان‌ها یاد گرفته می‌شود و نتیجه برخی از نیازهای زیستی نیست.» (مور[1]،۱۹۹۲ :۲-۱).

مفهوم جامعه‌پذیری در نظرات برخی جامعه‌شناسان بزرگ هم جایگاه ویژه‌ای دارد. جامعه-پذیری در دیدگاه جورج زیمل[2] اهمیت فراوانی دارد. زیرا «زیمل راجع‌به جامعه‌ای صحبت می‌کند که مجموع صورت‌هایی از رابطه است؛ یعنی ترکیب مناسبات میان افراد. در این عبارت، تصور جامعه‌ای وجود دارد که خود را با جامعه‌پذیری افراد عضو آن و به صورت مناسبات کم و بیش معین که با هم جامعه مورد نظر را می‌سازند، تولید یا بازتولید می‌نماید.» (کرایب، ۱۳۸۹ :۱۱۱-۱۱۰). زیمل جامعه‌پذیری را این‌گونه تعریف می‌کند: «جامعه‌پذیری شکلی از روابط است که در آن تعدادی از افراد وارد کنش دو سویه می‌شوند، منشأ عمل دو سویه ابراز غرایض یا امیالی خاص برای رسیدن به اهدافی مشخص است. سطحی از روابط اجتماعی که زیمل سعی در روشن کردن و قابل فهم نمودن آن می‌کرد، الزاماً نتیجه تعاملات (کنش و واکنش) بین افراد است.» (استونز، ۱۳۷۹ :۱۱۷). ویژگی‌های جامعه‌پذیری از دیدگاه زیمل عبارتند از: «کنش دو سویه» (همان:۱۲۸)، «تدریجی بودن و عمیق بودن.» (همان: ۱۲۲-۱۲۱).

مرتون و کندال (۱۹۵۷) جامعه‌پذیری را فرایندهایی می‌دانند که « از طریق آن‌ها افراد؛ رفتارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌هایی را کسب می‌کنند و این موارد، وظیفه‌های رایجی را برای اعضای گروه‌های مشخص توصیف می‌کنند.» (مرتون و کندال، ۱۹۵۷: ٤١، بلوم ، ۱۹٦۳: ۷۸ و برگ به نقل از لسلی[3]، سوییرن[4] و فلکسنر[5] ، ۱۹۷۷). به علاوه، «هنگامی جامعه-پذیری کامل است که ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌ها به طور کامل در افراد درونی شده باشد و این درونی شدن هنجارها تنها با مشکلات بزرگی می‌تواند بی اثر شود.» (لسلی، سوییرن و فلکسنر، ۱۹۷۷).

[1] Moore
[2] Georg Simmel
[3] Leslie
[4] Swiren
[5] Flexner

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

علاوه بر تعاریف فوق، جامعه‌پذیری فرایندی است که در محیط‌های علمی هم به وقوع می‌پیوندد و می‌توان از آن با عنوان «جامعه‌پذیری علمی[1]» نام برد. جامعه‌پذیری علمی را می‌توان در دیدگاه ویدمن[2] و استین[3] (۲۰۰۳) مشاهده نمود. آن‌ها به منظور بیان جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری برای بر عهده گرفتن نقش محقق از چارچوب جامعه‌پذیری ویدمن (۱۹۸۹) استفاده کرده‌اند. «ویدمن(۱۹۸۹) در چارچوب مورد نظر خویش برای جامعه‌پذیری دانشجویان کارشناسی، مراحل جامعه‌پذیری حرفه‌ای افراد را مطرح می‌کند. در چارچوب مورد نظر وی، ویژگی‌هایی از دانشجویان که برای جامعه‌پذیری مناسب است، مطرح می‌شوند که شامل ویژگی‌های شخصی (قومیت، جنسیت، پایگاه اجتماعی و اقتصادی)، زمینه‌های آموزشی و نیز گرایشات (ارزش‌ها و تجربیات) آنان است. بخش مرکزی این چارچوب، محیط نهادی دانشگاه و یا سایر مؤسسات آموزش عالی است که در آنجا آمادگی‌های حرفه‌ای افراد بروز می‌کند؛ زیرا شامل بخش آکادمیک و سه مکانیسم جامعه‌پذیری یعنی: تعامل با دیگران، درونی کردن تجربیات دانشکده و گروه همالان و نیز یادگیری دانش و مهارت‌های ضروری برای عمل حرفه‌ای موثر است.» (ویدمن و استین، ۲۰۰۳). «جامعه‌پذیری در این زمینه (جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری برای بر عهده گرفتن نقش محقق) فرایندهایی است که از طریق آن افراد دانش‌ها، مهارت‌ها و گرایشاتی را کسب می‌کنند که آن‌ها را کم و بیش قادر می‌سازد که عضوی از اجتماع مورد نظر خویش شوند.»(همان).

بنابراین می‌توان بیان کرد: ۱- فرایندهای جامعه‌پذیری، فرایندهای یادگیری و کسب ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هاست که در سراسر زندگی فرد جریان دارد؛ ۲- تعامل با دیگران (کنش متقابل) در جامعه‌پذیری افراد مهم‌ترین عامل است و بدون کنش متقابل، جامعه‌پذیری بی‌معنا خواهد بود؛ ۳- جامعه‌پذیری هنگامی کامل است که ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها به طور کامل در افراد درونی شده باشد؛ ٤- فرایندهای جامعه‌پذیری تدریجی بوده و به مرور زمان در افراد درونی می‌شود. همچنین زمانی که جامعه‌پذیری به طور کامل در افراد درونی شده باشد، در این صورت در عمق آگاهی فرد قرار می‌گیرد و در

[1] Scientific socialization
[2] Weidman
[3] Stein

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

واقع، ماهیت و واقعیت جامعه‌پذیری فراموش می‌شود. بنابراین، جامعه‌پذیری فرایندی عمیق است.

پارادایم: مفهوم پارادایم را توماس کوهن[۱] در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی[۲] » بیان کرده است؛ ابتدا در سال ۱۹۶۲ (چاپ اول کتاب) و همچنین در سال ۱۹۷۰ (چاپ دوم کتاب) که همراه با اصلاحاتی نسبت به چاپ اول بوده است.« بدون شک یکی از موثرترین و مناقشه آمیزترین کتاب‌های علمی در چند دهه اخیر، همین کتاب بوده است. تأثیر این کار در چند رشته گوناگون دیده شده است از جمله: تاریخ، فلسفه، علوم سیاسی، انسان‌شناسی، جامعه-شناسی، الهیات و حتی هنر.» (هولینگر، ۱۹۷۳ به نقل از اکبرگ[۳] و هیل[٤]، ۱۹۷۹).

پارادایم چیست؟ مفهوم پارادایم در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی در دو معنی متفاوت به کار رفته است: « ۱- نماینده مجموعه باورها، ارزش‌ها و روش‌های فنی و چیزهایی از این قبیل است که اعضای یک جامعه علمی در آن‌ها با یکدیگر شریک‌اند؛ ۲- اشاره به گونه‌ای از اجزاء آن مجموعه یعنی معماگشاییهای شناخته شده‌ای است که به عنوان سرمشق یا مثال به کار می-رود و می‌تواند همچون شالوده‌ای برای حل معماهای باقیمانده علم، جایگزین قواعد صریح حل معما شود.» (کوهن، ۱۳٦۹ :۱۷٤). کوهن نخستین معنی پارادایم (شماره ۱) را جامعه-شناختی می‌داند و در کتاب با عنوان «پارادایم‌ها به عنوان مجموعه‌ای از تعهدات گروهی[٥] » نام می‌برد و معتقد است این معنی از پارادایم استعمال کلی‌تری از این اصطلاح است. او معنی دوم پارادایم (شماره ۲) را تحت عنوان « پارادایم‌ها همچون مثال‌های مشترک [٦] » شرح می‌دهد که از معنی قبلی آن دارای استعمال کمتری است.

کوهن برای توضیح و تشریح پارادایم، ابتدا از اجتماع علمی آغاز می‌کند و بیان می‌دارد: «پارادایم‌ها چیزهایی هستند که اعضای جوامع علمی در پذیرفتن آن‌ها با یکدیگر شریک‌اند. او معتقد است پیش از پرداختن مستقیم به پارادایم‌ها، ابتدا باید یک رشته از مطالب را که نیازمند ارجاع و اشاره به ساختار جامعه است را باید در نظر گرفت.» (همان:۱۷۷). به عبارت دیگر،

[1] Thomas Kuhn
[2] The Structure of Scientific Revolutions
[3] Eckberg
[4] Hill
[5] Paradigms as the constellation of group commitments
[6] Paradigms as shared examples

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

کوهن معتقد است: «یک پارادایم چیزی است که اعضای جامعه علمی در آن با یکدیگر اشتراک دارند و بر عکس یک جامعه علمی تشکیل یافته از کسانی است که در یک پارادایم با یکدیگر شریک‌اند.» (همان: ۱۷۵). همچنین، «پارادایم اصطلاحی است که ارتباط نزدیکی با علم هنجاری دارد. علم هنجاری به معنی پژوهشی است که به صورتی مستحکم بر شالوده‌ای از یک یا چند دستاورد علمی بنا شده است و جامعه علمی خاصی در مدتی از زمان به آن دستاوردها معتقد است و آن‌ها را اساس عمل آینده خود قرار می‌دهد.» (همان :۲۵). «هیچ قسمت از هدف علم هنجاری عبارت از به کار گرفتن نمودهایی از گونه‌ای تازه و جدید نیست و دانشمندان معمولاً قصد اختراع کردن نظریه‌های تازه را ندارند و پژوهش علم هنجاری متوجه بیان درست نمودها و نظریه‌هایی است که پارادایم‌ها آن‌ها را فراهم آورده‌اند.» (همان: ۳۸).

بنابراین تا زمانی که دانشمندان درون یک علم هنجاری و با پارادایمی خاص فعالیت می‌کنند، مسائل پژوهشی آنان تغییر نمی‌کند و مسائل آن‌ها با توجه به پارادایم مورد نظر است؛ زیرا « نحوه‌ای که دانشمندان چهره خاصی از جهان را می‌بینند به کمک پارادایمی که در آن کار می‌کنند، تعیین می‌شود» (چالمرز، ۱۳۸۷ :۱۱۵) و هر پارادایم جهان را به شکل متفاوتی می‌بیند. پارادایم‌ها؛ مسائل، پرسش‌ها و پاسخ‌های متفاوتی را مجاز می‌دانند که بر اساس اصول آن پارادایم است. همچنین، «دانشمندان به نظریه‌های خویش به شدت وفادارند و به جای اینکه تلاش کنند نظریه‌های خود را ابطال کنند، با نیروی تمام از آن‌ها دفاع می‌کنند. همه این‌ها به دلیل آن است که دانشمندان غالباً در یک رشته علمی خاص کارآموزی کرده‌اند و تربیت شده‌اند.» (گلوور[1]، استرابریج[2] و توکل ، ۱۳۸۳ :۱۰۷).

به علاوه، در ارتباط با رابطه پارادایم و جامعه‌شناسی؛ بیشتر جامعه‌شناسان معتقد به چند-پارادایمی بودن جامعه‌شناسی هستند. کریستوفر برایانت[3]، پارادایم‌های کارکرد گرایی ساختاری، نظریه تضاد، نظریه کنش، پدیدارشناسی و قوم نگاری را در جامعه‌شناسی نام می‌برد. او بیان می‌کند که هر کدام از پارادایم‌ها منظومه متمایزی از ارزش‌ها، مفاهیم، روش‌ها و

[1] Glover
[2] Strawbridge
[3] Christopher G.A. Bryant

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

نظریات اساسی را معرفی می‌کنند و بر این اساس هدف جامعه‌شناسی را شکل می‌دهند. به طور کلی، برایانت معتقد به چند پارادایمی بودن جامعه‌شناسی است.(برایانت، ۱۹۷۵). اکبرگ و هیل، دوازده مجموعه از پارادایم‌های جامعه‌شناختی را نام می‌برند که به عقیده آن‌ها هر کدام از مجموعه‌ها مدعی هستند که طبقه‌بندی آن‌ها مبتنی بر پارادایم کوهن است. به عقیده اکبرگ و هیل پارادایم‌های ریتزر بیشترین شباهت را به پارادایم مورد نظر کوهن دارند. « ریتزر جامعه-شناسی را به پارادایم‌های واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی و رفتار اجتماعی تقسیم می‌کند و به طرز جالبی تقسیم بندی‌هایی که توسط دیگران تحت عنوان پارادایم‌های کارکردگرایی ساختاری و نظریه تضاد در نظر گرفته شده‌اند، در طرح ریتزر همگی در یک پارادایم واحد یعنی پارادایم واقعیت اجتماعی متحد شده‌اند.» (اکبرگ و هیل، ۱۹۷۹).

بنابراین می‌توان بیان کرد: ۱- پارادایم‌ها چارچوب‌هایی را برای بررسی و مطالعه مسائل فراهم می‌آورند؛ ۲- پارادایم‌ها، مسائل و پاسخ‌ها را تعیین می‌کنند؛ ۳- نوع نگاه دانشمندان به جهان، براساس پارادایمی که در آن فعالیت می‌کنند، مشخص می‌شود؛ ٤- بیشتر جامعه‌شناسان معتقد به چندپارادایمی بودن جامعه‌شناسی هستند.

اجتماع علمی: «در دهه‌های ۱۹٦۰ و۱۹۷۰ بحثی در میان دانشمندان رایج شد که دانش علمی توسط اجتماعات تخصصی ارائه می‌شود.» (یاکوبز[1] ، ۱۹۸۷). همچنین « در دوران اخیر، یکی از پیش فرض‌های جامعه‌شناسی علم و فلسفه علم این بوده است که دانش علمی درون اجتماعات سازمان یافته‌ای ارائه شده است. در جامعه‌شناسی اجتماعات علمی بر سطوح متفاوتی از عمومیت اجتماعات علمی بحث‌هایی مطرح بوده است؛ سطوحی از فعالیت تمام دانشمندان در یک کشور(اجتماعات علمی ملی) تا گروه‌های کوچکی از متخصصین.» (همان). بنابراین، « مطالعه جامعه‌شناختی اجتماع علمی یکی از کارهای جامعه‌شناسی علم است.» (توکل، ۱۳۸۹ :۳٦).

دیدگاه لودویک فلک[2]، سرمنشأ بحث‌هایی است که دانش را به لحاظ اجتماعی در نظر گرفته-اند.کتاب «پیدایش و توسعه وقایع علمی[3]» فلک (۱۹۳۵) یکی از اولین دیدگاه‌های مشروحی

[1] Jacobs
[2] Ludwik Fleck
[3] Genesis and Development of Scientific Fact

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

است که دانش علمی را به لحاظ اجتماعی در نظر گرفته است. کتاب فلک، اندکی پس از چاپ به طور کامل فراموش شد و در زمان خود کتابی با اهمیت فراوان نبود؛ اما کتاب او پس از دو دهه که مورد غفلت بود و پس از آن که به انگلیسی ترجمه شد و به طور موفقیت آمیزی توسط کوهن مورد استفاده قرار گرفت؛ از مشکلاتی که درگیر آن بود رهایی یافت و مورد توجه واقع شد.کوهن در پیشگفتار کتاب ساختار انقلاب‌های علمی که یک سال پس از مرگ فلک به چاپ رسید، آشکارا نشان داده است که وام دار فلک است.» (یاکوبز، ۱۹۸۷). « کتاب پیدایش و توسعه وقایع علمی، نظریه‌ای از شرایط اجتماعی تفکر را با مراجعه خاص به علم بیان می‌کند. در دیدگاه فلک، حقایق[1] به طور خاص و دانش علمی به طور کلی، توسط افراد کشف نشده‌اند بلکه توسط گروه‌های اجتماعی خلق شده‌اند.» (همان).

همچنین نظرات توماس کوهن و وارن هگستروم[2] در زمینه اجتماع علمی دارای اهمیت فراوانی هستند. به عقیده کوهن: « یک اجتماع علمی عبارت است از مجموع کسانی که در یک تخصص علمی با یکدیگر شریک هستند. افراد چنین جامعه‌ای که در اغلب میدان‌های دیگر نمی‌توان برای آن نظیری پیدا کرد؛ تعلیمات مشابهی را فرا می‌گیرند، به صورتی یکسان ورود به جامعه خود را آغاز می‌کنند، به مرور ایام با ادبیات فنی واحدی آشنا می‌شوند و نتیجه‌های مشابهی از آن به دست می‌آورند، معمولاً مرزهای ادبیات استاندارد حدود موضوع علمی مورد بحث جامعه را مشخص می‌سازد و هر جامعه عموماً موضوع بحثی مختص به خود دارد. اعضای یک اجتماع علمی خود را به صورت انحصاری مسئول پیگیری یک رشته هدف‌های مشترک از جمله تربیت کردن جانشینان خود می‌بینند. در داخل چنین گروه‌هایی ارتباط کامل برقرار است و داوری حرفه‌ای به اتفاق آرا صورت می‌پذیرد.» (کوهن ، ۱۳٦۹ : ۱۷٦). همچنین، کوهن معتقد به رابطه دوری بین پارادایم و اجتماع علمی است: «یک پارادایم چیزی است که اعضای یک اجتماع علمی در آن با یکدیگر اشتراک دارند و بر عکس یک اجتماع علمی تشکیل یافته از کسانی است که در یک پارادایم با یکدیگر شریک‌اند.» (همان: ۱۷۵).

[1] Fact
[2] Warren Hagstrom

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

به‌علاوه، کتاب وارن هگستروم با عنوان « اجتماع علمی[1] » در سال ۱۹٦٥ به چاپ رسید. « هگستروم کار خود را از نقد نگاه زیبایی‌شناختی به فعالیت عالمان آغاز می‌کند. به نظر وی غالباً تصور شده که عالمان به دنبال مسائلی می‌روند که شخصاً برای آن‌ها جالب بوده و در این مسیر ملاحظات زیباشناختی راهنمای فعالیت ایشان است. او با ارجاع به کار فلک و کوهن که معتقدند دانش توسط گروه‌های دانشمندان کشف می‌شود، بر سازمان اجتماعی علم تأکید می-کند.» (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸٦ :۲٤). « رویکرد هگستروم مشتق از تئوری مبادله[2] است و دانشمندان را ذاتاً بر انگیخته شده به وسیله جستجو برای کسب پذیرش حرفه ای می‌داند.» (توکل، ۱۳۸۹ :۸۹). « به نظر هگستروم، جامعه‌پذیری در علم نقش زیادی دارد و به پرورش افراد متعهد به ارزش‌های اساسی علم می‌انجامد. دانشمندان بدون ارتباط با همکاران خود، یعنی بدون کنترل اجتماعی، ممکن است در مقابل اهداف و معیارهای غیر دانشمندان تسلیم شوند. جامعه‌پذیری دانشمندان با عمل مبادله‌ای آنان تقویت می‌گردد. در این فرایند دانشمندان اطلاعات را به صورت مقالات و ایده‌های خود را به اجتماع علمی عرضه می‌کنند و در عوض مورد شناسایی قرار می‌گیرند.» (قانعی راد، ۱۳۸٥). همچنین، « نگاه هگستروم الزاماتی نیز برای سیاست علمی دارد. این نظریه متضمن آن است که سیاست علمی باید هر چه بیشتر معطوف به تقویت کنش متقابل میان دانشمندان باشد، ارزیابی و پاداش دهی فعالیت‌های علمی را باید به اجتماع علمی واگذار کرد، زیرا اساساً کسی غیر از اعضای اجتماع علمی قادر به ارزیابی کار همکاران خود نیستند.» (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸٦ : ۲۷).

بنابراین می‌توان بیان کرد: ۱- در بررسی اجتماع علمی، نگاهی اجتماعی به علم داریم. علم به صورت اجتماعی و از طریق گروه‌های دانشمندان کشف می‌شود و نه از طریق افراد؛ ۲- اجتماع علمی عبارت است از مجموع کسانی که در یک تخصص علمی با یکدیگر شریک هستند؛ ۳- اجتماع علمی توافق میان دانشمندانی است که به یک پارادایم واحد تعلق دارند؛ ٤- ارتباطات و تعاملات (کنش متقابل میان دانشمندان) در اجتماع علمی اهمیت فراوانی دارد؛ ٥- یک پارادایم چیزی است که اعضای یک اجتماع علمی در آن با یکدیگر اشتراک دارند و بر

[1] The Scientific Community
[2] Exchange

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

عکس یک اجتماع علمی تشکیل یافته از کسانی است که در یک پارادایم با یکدیگر شریک‌اند. بنابراین بین پارادایم و اجتماع علمی رابطه دوری وجود دارد.

در نتیجه و براساس ارتباط بین سه مفهوم جامعه‌پذیری، پارادایم و اجتماع علمی می‌توان مشکلات دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه را به شیوه‌ای نظری شرح داد. بر اساس دیدگاه‌های فلک، کوهن و هگستروم؛ امروزه علم فعالیتی جمعی و اجتماعی محسوب می‌شود و حقایق علمی توسط گروه‌های دانشمندان (به صورت جمعی) کشف می‌شود و نه توسط افراد و به تنهایی؛ همین عامل نشان دهنده اهمیت اجتماعات علمی در چند دهه اخیر(از دهه ۱۹٦۰ و۱۹۷۰ به بعد) است. تمام افرادی که در یک تخصص واحد شریک هستند، اجتماع علمی تخصصی را تشکیل می‌دهند و هر اجتماع علمی تخصصی از طریق کنشگران خود به فعالیت‌های علمی در حوزه تخصصی مورد نظر می‌پردازد.

نوع نگاه کنشگران در هر اجتماع علمی تخصصی به علم و به خصوص اینکه چه مسائلی را مورد توجه و بررسی قرار دهند و به طور کلی از چه نظریات و دیدگاه‌هایی استفاده کنند، چگونه به حل مسائل و معماهای خود بپردازند، از بین مسائل مختلف کدام مسئله را انتخاب کنند و به عبارت دیگر اولویت‌های تحقیقاتی خود را چگونه برگزینند (مسئله‌یابی)؛ بستگی به پارادایمی دارد که دانشمندان به آن تعلق دارند. این پارادایم باید مورد پذیرش اجتماع علمی باشد؛ زیرا پارادایم است که چارچوب‌هایی را برای بررسی و مطالعه مسائل مختلف فراهم می-آورد. به عبارت دیگر، نوع نگاه دانشمندان در هر اجتماع علمی تخصصی به جهان، بستگی به پارادایمی دارد که آن‌ها در آن به فعالیت علمی می‌پردازند. به علاوه در درون اجتماعات علمی تعاملات گسترده‌ای بین کنشگران وجود دارد و آن‌ها از این طریق به تبادل عقاید و آرای خود می پردازند و در مورد مسائل مهم به اجماع می‌رسند.

براساس دیدگاه توماس کوهن، پارادایم و اجتماع علمی دارای رابطه دوری هستند. شکل‌گیری پارادایمی که مورد پذیرش اجتماع علمی باشد می‌تواند به صورت ناخودآگاه شیوه دید مناسبی را در اختیار کنشگران قرار دهد و آن‌ها را با مسائل مهم و سؤالات اساسی که در هر پارادایمی مطرح است، آشنا سازد. بنابراین کنشگران، در انتخاب مسائل پژوهشی خود سردرگم نمی‌شوند و بر اساس هنجارها و الگوهای پارادایمی که مورد پذیرش اجتماع علمی تخصصی مورد نظر

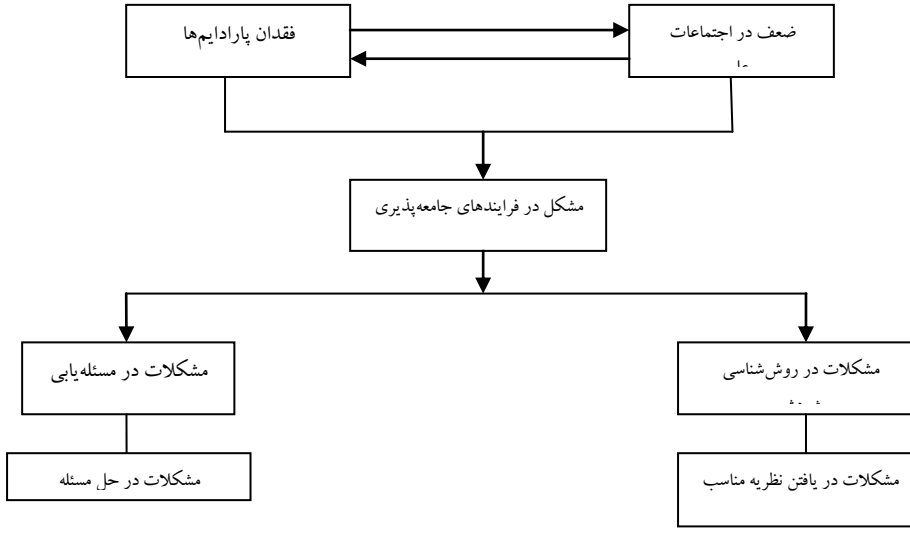
[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

است، به مسئله‌یابی می‌پردازند. به عبارت دیگر،کنشگرانی که در یک پارادایم و در طی سالیان متمادی مشغول به فعالیت هستند، با توجه به الگوها و هنجارهای پارادایمی که مورد پذیرش اجتماع علمی است، جامعه‌پذیر می‌شوند؛ بدین معنا که هنجارها و ارزش‌های موجود در پارادایم به صورت تدریجی و در طی سال‌های متمادی در آن‌ها درونی می‌شود و طوری در عمق آگاهی آن‌ها قرار می‌گیرد که کنشگران هنجارهای موجود را بدیهی تلقی می‌کنند و هیچ گونه سؤالی در ارتباط با آن هنجارها برایشان ایجاد نمی‌شود. به همین دلیل فعالیت‌های پژوهشی آنان انسجام می‌یابد و برای اندیشیدن در مورد مسائل مختلف دچار مشکل نمی‌شوند.

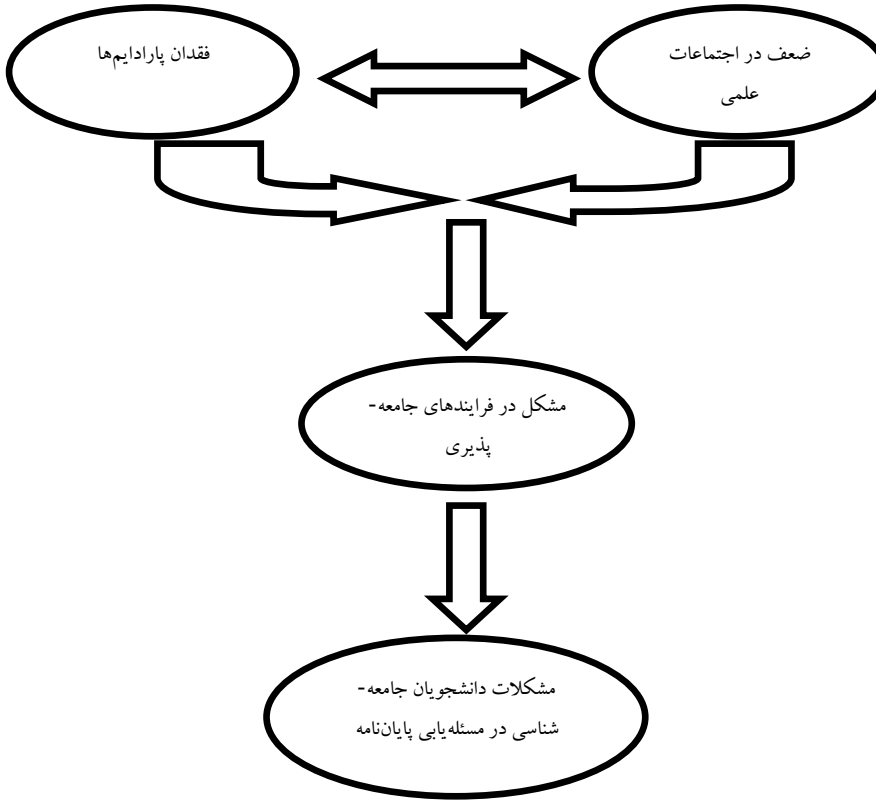
درونی شدن هنجارها و الگوهای موجود در پارادایم، بر اساس کنش متقابل بین اعضای یک اجتماع علمی تخصصی (که به یک پارادایم واحد تعلق دارند) صورت می‌گیرد و کنشگران در فرایندهای کنش متقابل و در جریان آموزش‌هایی که صورت می‌گیرد، ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزند. بنابراین شکل‌گیری صحیح پارادایم‌ها و اجتماعات علمی در هر علمی، باعث شکل‌گیری هنجارهایی متناسب با پارادایم و اجتماع علمی در اجتماعات علمی تخصصی می‌شود. در نهایت کنشگرانی که در چنین فضایی جامعه‌پذیر می‌شوند می‌توانند به راحتی به مسئله خویش دست یابند و هر گونه ضعف در اجتماعات علمی و فقدان پارادایم‌ها باعث جامعه‌پذیری کنشگران با توجه به هنجارهایی نامتناسب با پارادایم و اجتماع علمی می‌شود و با توجه به مسئله پژوهش حاضر، باعث ایجاد مشکلاتی در مسئله‌یابی پایان‌نامه دانشجویان می‌شود. دانشجویان رشته جامعه‌شناسی هم از این قاعده مستثنی نیستند و تمام موارد فوق در ارتباط با اجتماع علمی و پارادایم نیز در این رشته صدق می‌کند؛ با این تفاوت که تعداد پارادایم‌ها در هر علم با توجه به ماهیت آن علم متفاوت است. در برخی از رشته‌ها یک پارادایم واحد در کل رشته وجود دارد؛ در حالی‌که بیشتر جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را چند پارادایمی دانسته‌اند. براین اساس مدل تحلیلی و فرضیه تحقیق را می‌توان به صورت‌های ذیل نشان داد:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مدل تحلیلی تحقیق



فرضیه تحقیق



[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

روش تحقیق

در مطالعه حاضر روش تحقیق و روش گردآوری داده‌ها بر اساس دو پرسش اصلی مشخص شده‌اند. نورمن بلیکی در کتاب «طراحی پژوهش‌های اجتماعی» سه نوع از پرسش‌های پژوهشی را مطرح کرده است: پرسش‌های چیستی، پرسش‌های چرایی و پرسش‌های چگونگی. پرسش‌های پژوهشی مذکور به طور متوالی در ادامه یکدیگر قرار می‌گیرند؛ «زیرا پیش از تبیین هر چیزی ما نیازمند دانستن این هستیم که قضیه از چه قرار است و پیش از مداخله برای تغییر دادن هر چیز نیازمند دانستن این هستیم که چرا وضعیت یا رفتار خاصی در آن مشاهده می‌شود. » (بلیکی، ۱۳۸٤ : ۸۷ –۸٦).

با توجه به طبقه‌بندی فوق، پرسش یک تحقیق در میان پرسش‌های چیستی قرار می‌گیرد و هدف از آن «توصیف» مشکلاتی است که دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه دارند. اهمیت این سؤال بدین لحاظ است که تاکنون پژوهشی برای پاسخ به سؤال مذکور صورت نگرفته است تا مشخص شود که مشکلات دانشجویان رشته جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه چیست؛ بنابراین با پژوهشی توصیفی می‌توان توصیفی از واقعیاتی به دست آورد که دانشجویان با آن‌ها مواجه هستند و سپس به دلایل مشکلات پرداخت (سؤال دو). زیرا زمانی‌که به دلایل این مشکلات پرداخته می‌شود، ابتدا باید مشخص شود که منظور کدام مشکلات هستند. برای پاسخ به سؤال یک، روش تحقیق کیفی و «مصاحبه بدون ساختار» با دانشجویان جامعه‌شناسی در نظر گرفته شد. همچنین، در این بخش فرضیاتی مطرح نمی‌شوند؛ زیرا هدف توصیف و کشف مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی پایان‌نامه و با توجه به دیدگاه دانشجویان رشته جامعه‌شناسی است.

همچنین، پرسش دو تحقیق در میان پرسش‌های چرایی قرار می‌گیرد؛ زیرا در پی علت‌ها و دلایل مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی است. بنابراین هدف از این پرسش «تبیین» مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی پایان‌نامه است. برای پاسخ به سؤال دو، فرضیه‌ای در نظر گرفته شده است (که در بخش ادبیات نظری مطرح شد) و براین اساس، مشکلات دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه تبیین شده است. برای پاسخ به سؤال دو از روش «مصاحبه نیمه ساختار یافته» (که جزء روش‌های گردآوری اطلاعات در روش تحقیق کیفی به

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

شمار می‌رود) استفاده شده است. به عقیده فلیک آزمون فرضیات هم یکی از هدف‌های روش تحقیق کیفی به شمار می‌رود: « در روش تحقیق کیفی می‌توان اهداف مختلفی را دنبال کرد: توصیف، گاهی نیز آزمون فرضیات و نظریه پردازی.» (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

مصاحبه‌های بدون‌ساختار و نیمه‌ساختاریافته، با ۳۰ نفر از دانشجویان و اساتید گروه جامعه-شناسی[۱] (۲۵ دانشجو و ۵ استاد) از دانشگاه‌های تهران، الزهرا و علامه طباطبایی صورت گرفته است. ۱۵ نفر از دانشجویان مصاحبه‌شونده زن و ۱۰ نفر مرد بودند. از این تعداد؛ ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، ٦ نفر از دانشگاه الزهرا و ٤ نفر نیز از دانشگاه علامه بوده‌اند. همچنین، از لحاظ رشته کارشناسی ارشد؛ ١٤ نفر از دانشجویان رشته پژوهش علوم اجتماعی، ۷ نفر جامعه‌شناسی و ٤ نفر از دانشجویان رشته مطالعات جوانان مورد مصاحبه قرار گرفتند. به علاوه، ٤ نفر از اساتید مصاحبه‌شونده از اساتید دانشگاه تهران و یک نفر نیز استاد دانشگاه علامه بود. به لحاظ جنسیت نیز همگی اساتید مصاحبه شونده مرد بودند.

در مصاحبه‌های توصیفی به دلیل آنکه هدف مشخص شدن مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی است، فقط از دیدگاه دانشجویان استفاده شد. در حالی‌که در مصاحبه‌های تبیینی، هم نظرات دانشجویان و هم نظرات اساتید مورد استفاده قرار گرفت. در این تحقیق، دانشجویانی مورد مصاحبه قرار گرفتند که اذعان داشتند در مسئله‌یابی پایان‌نامه با مشکل مواجه بوده‌اند. در حالی‌که در مصاحبه با اساتید معیار خاصی در مصاحبه با آن‌ها (به غیر از عضو گروه جامعه-شناسی بودن) مورد نظر قرار نگرفت. در نتیجه و با توجه به ویژگی‌های مذکور، نمونه‌های در دسترس برای مصاحبه انتخاب شدند. همچنین پس از مصاحبه با ۳۰ نفر یافته‌های جدیدی از مصاحبه شوندگان به دست نیامد و یافته‌های مصاحبه‌ها به تکرار رسیدند؛ در نتیجه تحقیق به اشباع نظری رسید و از مصاحبه با تعداد بیشتری از پاسخگویان خودداری به عمل آمد. «اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود (یعنی دیگر چیز جدیدی به دست نیاید).» (همان:١٤٠).

[۱]. گروه جامعه شناسی شامل سه رشته پژوهش علوم اجتماعی، جامعه شناسی و مطالعات جوانان است (منطبق بر گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق مبتنی بر سؤالات تحقیق هستند. در پاسخ به سؤال یک (مشکلات دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه چیست؟) نتایج ذیل به دست آمده‌اند:

۱- نداشتن حوزه مورد علاقه برای مسئله‌یابی: از آنجایی‌که جامعه‌شناسی دارای حوزه-های مختلفی است؛ مسئله‌یابی پایان‌نامه باید مبتنی بر یکی از این حوزه‌ها باشد. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار نمودندکه هنوز نتوانسته‌اند به حوزه‌ای از جامعه‌شناسی علاقمند شوند تا بتوانند مسئله پایان‌نامه را انتخاب نمایند. مشکل مذکور بیشتر در دانشجویانی مشاهده شد که تغییر رشته داده‌اند. این مشکل می‌تواند دارای پیامدهایی باشد، مانند داشتن انبوهی از مسائل جامعه‌شناختی برای پایان‌نامه (گاهی این مسائل در حوزه‌های بسیار متفاوتی از یکدیگر هستند)، علاقمند شدن به هر حوزه‌ای که دانشجو در آن تحقیق کرده است و علاقمند شدن به بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی.

«برای مسئله‌یابی حوزه کاری‌ام مشخص نبود و من درمیان انبوهی از موضوعات جامعه‌شناختی گم شده بودم و نمی‌دونستم که کدومش اولویت داره. من نمی‌دونستم که آیا باید در حوزه زندگی روزمره کار کنم یا جامعه‌شناسی سیاسی و اضافه بر این وقتی حوزه‌ام رو مشخص می‌کردم، به اون حوزه هم اشرافی نداشتم و در حد کلیشه می تونستم مسئله انتخاب کنم» (فرهاد- دانشگاه تهران).

«چون رشته لیسانس من جامعه‌شناسی نبود، نسبت به حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی شناخت نداشتم یعنی ذائقه خودم رو نمی‌شناختم؛ همین باعث می‌شد که هر ترم که درسی رو می‌گرفتم و در اون حوزه کار می‌کردم، به اون حوزه علاقمند می‌شدم و دوست داشتم که اون موضوع رو برای پایان نامه‌ام کار کنم» (احمد- دانشگاه تهران).

۲- مشکل در یافتن سؤال جامعه‌شناختی از ایده، دغدغه شخصی و حوزه مورد علاقه: برخی از دانشجویانی که به مرحله انتخاب موضوع رسیده‌اند حیطه‌های بسیار کلی برای مسئله-یابی دارند؛ مانند ایده‌ها و دغدغه‌های کلی و یا اینکه برای مسئله‌یابی علاقمند به حوزه‌ای خاص هستند. مشکل این گروه از دانشجویان این است که آن‌ها به راحتی نمی‌توانند به سؤال جامعه‌شناختی در حیطه‌های کلی مورد علاقه‌شان برسند. در این زمینه دانشجویان استراتژی-

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

هایی را بر می‌گزینند از جمله: انتخاب مسائل تکراری از حوزه مورد علاقه و ایجاد تغییرات جزئی در آن‌ها و مشورت با اساتید.

« همسرم اهل مریوان است و به اون شهر رفت و آمد داریم و من در مریوان چیزهای خاصی می دیدم که با شهر خودم و شهرهای دیگه کاملاً متفاوت بود و من می‌دونستم که فرق داره، ولی نمی-تونستم مسئله‌ام رو پیدا کنم» (فاطمه- دانشگاه الزهرا).

«من به مسائل مربوط به زنان علاقمند بودم و دوست داشتم تو این حوزه کار کنم ولی هر چی فکر کردم نتونستم به مسئله‌ای برسم و همه موضوعاتی رو که انتخاب می‌کردم تکراری بود و حاصل ذهن خودم نبود.» (مهناز- دانشگاه تهران).

۳- تردید در مسئله‌یابی پایان‌نامه: دانشجویان در مسئله‌یابی از بین دو یا چند مسئله دچار تردید می‌شوند و بنابراین، تصمیم‌گیری برای آن‌ها دشوار می‌شود. این مشکل پیامدهایی را به همراه دارد از جمله: تغییر بیش از حد مسائل انتخابیِ پایان‌نامه، حساسیت فکری زیاد نسبت به انتخاب موضوعات، ایجاد درگیری‌های فکری و روحی برای دانشجویان، انتخاب موضوعات از حوزه‌های مختلف که هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند، سخت شدن تصمیم گیری و طولانی شدن فرایند مسئله‌یابی.

«من دچار وسواس موضوعی شده بودم، یعنی مثلاً یک دفعه به یک مسئله درباره خانواده می-رسیدم و در این وادی فکر می‌کردم و بعد اون موضوع رو رها می کردم و به یک مسئله درباره ترافیک تهران فکر می‌کردم و این ایراد خیلی بزرگی در کار من بود و عذاب آور هم شده بود.» (علی- دانشگاه تهران).

همچنین، در پاسخ به سؤال دو (چرا دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه مشکلاتی دارند؟) نتایج ذیل به دست آمده‌اند. نتایج این بخش، یافته‌های توصیفی تحقیق را تبیین می‌کنند. به عبارت بهتر، نتایج این بخش مشکلات دانشجویان کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه یعنی: ۱- نداشتن حوزه مورد علاقه برای مسئله‌یابی؛ ۲- مشکل در یافتن سؤال جامعه‌شناختی از ایده، دغدغه شخصی و حوزه مورد علاقه؛۳ - تردید در مسئله‌یابی پایان‌نامه را تبیین می‌کنند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۱- آموزش محور بودن نظام آموزشی پیش از دانشگاه و دانشگاه: نظام آموزشی مدارس در کشور ما، آموزش محور است وآموزشِ دانش‌آموزان تنها از طریق معلم صورت می‌گیرد و دانش‌آموزان نقشی اساسی در فرایندهای آموزشی ایفا نمی‌کنند. در نتیجه، دانش به صورت جمعی و در فرایند کنش متقابل بین معلم و دانش‌آموز شکل نمی‌گیرد. بنابراین، دانش-آموزان در چنین فضایی جامعه‌پذیر می‌شوند و در دوره‌های بالاتر، دانشگاه، نیز این شیوه ادامه می‌یابد. بدین صورت که دانشجویان در فرایندهای آموزشی دانشگاه، حضور اندکی دارند و همچنان نقش اصلی آموزش بر عهده اساتید است. به علاوه، نظام آموزشی دانشگاه‌ها نظامی مبتنی بر تحقیق و پژوهش نیست و تحقیق از اولویت‌های اصلی در دانشگاه‌های ما محسوب نمی‌شود و اولویت اصلی آموزش است که با توجه به کتاب‌های درسی و آموزش‌های استاد صورت می‌گیرد (به‌خصوص در دوره کارشناسی). در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، تولید جمعی دانش و یا به عبارت دیگر کنش متقابل بین استاد و دانشجو در تولید دانش بهبود می-یابد؛ ولی جامعه‌پذیری دانشجویان در سال‌های متمادی تحصیل، با توجه به هنجارهای آموزشی که ذکر شد، همچنان می‌تواند دانشجویان را حتی در دوره‌های بالاتر با مشکلاتی همانند مسئله‌یابی پایان‌نامه مواجه سازد. مطالب فوق نشان از این دارد که اجتماعات علمی در دانشگاه‌ها با مشکلات اساسی روبرو است و علم در کنش متقابل بین استاد و دانشجو شکل نمی‌گیرد. در نتیجه، درکلاس‌های دانشگاه مباحثه‌های علمی و تفکر در مورد مسائل جدید در هر حوزه تخصصی شکل نمی‌گیرد. بنابراین دانشجویان خلاقیت‌ها، مهارت‌ها و اطلاعات لازم برای مسئله‌یابی را نمی‌آموزند و هنگامی‌که به مرحله مسئله‌یابی می‌رسند، مشکلات آن‌ها نمایان می‌شود؛ همانند مشکلاتی که در بخش یافته‌های توصیفی ذکر شد. نکته قابل توجه اینکه، با توجه به دیدگاه کوهن از آنجایی که پارادایم و اجتماع علمی دارای رابطه دوری با یکدیگر هستند، هرگونه ضعف در اجتماعات علمی نشان‌دهنده این است که پارادایم‌هایی نیز شکل نگرفته‌اند که اعضای آن‌ها اجتماعات علمی را تشکیل دهند.

« فرایند آموزشیِ کل کشور ما دچار مشکل است و به جای اینکه پژوهش محور باشد، بیشتر بر اساس یک سری انتقال دانش به صورت سنتی است؛ یعنی همیشه اطلاعات از یک طرف به طرف-های دیگر منتقل می‌شود، در حالی‌که دانش یک امر جمعی است و در فرایند کنش متقابل شکل می گیرد.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

« نظام آموزشی ما، آموزش محور است یعنی اساتید بیشتر درگیر تدریس هستند و هر استادی ۱۰، ۱۲ واحد در هر ترم تدریس دارد و تحقیق جنبی است. چون تحقیق در نظام آموزشی ما جنبی است؛ بنابراین برنامه خاصی هم برای تحقیق نداریم.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

مقوله «آموزش محور بودن نظام آموزشی پیش از دانشگاه و دانشگاه» -که یکی از علت‌های مشکلات دانشجویان جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه است- دارای پیامدهای مختلفی است. در این مطالعه و در مصاحبه با دانشجویان جامعه‌شناسی پیامدهایی از این مشکل مشخص شدند که آن پیامدها نیز نشان‌دهنده مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی هستند. پیامدهایی که عبارت‌اند از: الف) مسئله‌یابی پایان‌نامه بر اساس دغدغه‌ای شخصی: بیش از نیمی از دانشجویان در مصاحبه بیان نموده‌اند که مسئله پایان‌نامه را بر اساس زندگی روزمره-شان انتخاب نموده‌اند. به عبارت دیگر، مسئله‌یابی پایان‌نامه بر اساس دغدغه‌ای شخصی. بنابراین، مسئله‌یابی بر اساس دغدغه‌ای شخصی رایج‌ترین شیوه‌ای است که دانشجویان بر اساس آن به مسئله‌یابی می‌پردازند و همین عامل نشان دهنده فرد گرایی علمی در بین دانشجویان است. در حالیکه با توجه به دیدگاه‌های موجود در ارتباط با اجتماع علمی، تولید علمی کارکرد اجتماعات علمی است؛ یعنی اجتماعاتی که تمام اعضای آن در یک پارادایم واحد شریک هستند و علم به صورت فردی تولید نمی شود؛ یعنی بر اساس دغدغه‌های فردی جدا از یکدیگر. در نتیجه بر اساس همین عامل می‌توان به این نتیجه رسید که شکل‌گیری پارادایم‌ها و اجتماعات علمی تخصصی با ضعف‌هایی مواجه بوده است. زیرا انتخاب مسائل بر اساس دغدغه‌ای شخصی نشان دهنده این است که دانشجویان در سال‌های تحصیل و در نظامی آموزش محور نتوانسته‌اند به مسئله‌ای دست یابند و زمانیکه به مرحله انتخاب موضوع می‌رسند، به زندگی شخصی خویش رجوع می‌کنند و بر اساس آن به مسئله‌یابی می‌پردازند.

در صورت شکل‌گیری مناسب پارادایم‌ها و اجتماعات علمی تخصصی، دانشجویان با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای موجود در هر پارادایم که مورد پذیرش اجتماع علمی تخصصی است، جامعه‌پذیر می‌شوند و از زاویه همان ارزش‌ها و هنجارها به مسائل جامعه و اطراف خویش می‌نگرند و می‌توانند مسئله انتخاب نمایند. نکته شایان ذکر اینکه، مطالب مذکور بیانگر این

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

نیست که مسئله‌یابی بر اساس دغدغه‌ای شخصی روش خوب و مناسبی نیست. این شیوه می‌تواند مفید باشد در صورتیکه دانشجو بتواند دغدغه شخصی خویش را به حوزه‌ای از جامعه‌شناسی مرتبط نماید و بر اساس نگاه آن حوزه به مسائل جامعه، به انتخاب سؤال جامعه‌شناختی و انجام کار تحقیقاتی بپردازد.

« تو فرصت یک هفته‌ای که داشتم، یک روز از صبح تا عصر رفتم پارک؛ زیرانداز و خوردنی هم با خودم بردم و بعد فقط به این فکر کردم که چه موضوعی رو انتخاب کنم. بعد یک سری موضوعات رو نوشتم و بعد از بین موضوعاتی که نوشته بودم، دیدم که پوچ‌گرایی بیشتر دغدغه خودم بوده و برای خودم پیش اومده بود و به خاطر همین این موضوع رو برای پایان‌نامه‌ام انتخاب کردم.» (فرزانه- دانشگاه الزهرا).

پیامد دیگر عبارت است از: *ب) نوآوری‌های اندک در مسئله‌یابی پایان‌نامه:* با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه با اساتید می‌توان به این نتیجه رسید که خلاقیت اندکی در مسئله‌یابی از سوی دانشجویان مشاهده می‌شود و پیامد چنین عاملی پرداختن به مسائل تکراری است. مسائلی که نهایتاً در عناوین دارای تغییرات جزئی با یکدیگر هستند. زیرا زمانی‌که دانشجو نتواند به مسئله جدیدی دست یابد، در نتیجه به انتخاب مسائل تکراری دست می‌زند. بنابراین، نداشتن خلاقیت و نوآوری در انتخاب موضوعات و پرداختن به موضوعات تکراری، نشان از این دارد که چارچوب‌های مشخص تحقیقی در جامعه‌شناسی برای دانشجویان وجود ندارد و دانشجویان در سال‌های متمادی تحصیل و در نظامی آموزش محور با چنین چارچوب‌هایی که بر گرفته از پارادایم‌ها در جامعه‌شناسی است، آشنا نشده‌اند. زیرا زمانی‌که در جامعه‌شناسی پارادایم‌های مشخص و مجزا معین شده و توسط اعضای اجتماعات علمی پذیرفته شده باشند، در این صورت کنشگران با توجه به قواعد موجود در هر پارادایم می‌آموزند که باید به کدام پدیده‌ها و چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی توجه کنند. زیرا در صورت مشخص نبودن پارادایم‌ها، دانشجو نمی‌داند از بین مسائل متعدد در جامعه، چگونه و به چه پدیده‌هایی توجه کند. به عبارت دیگر، نوع نگاه دانشجو به مسائل و چگونگی رسیدن به سؤال جامعه‌شناختی از مسائل مذکور با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین فقدان پارادایم‌ها، نشان از ضعف در اجتماعات علمی نیز دارد و این موارد قطعاً بر فرایندهای جامعه‌پذیری دانشجویان تأثیر منفی می‌گذارند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

« ما بعضاً دچار تکرار هستیم، یعنی حتی با اینکه جامعه ای داریم که پُر از سوژه های فراوان است. برای اینکه این سوژه‌ها را بتوان شکار کرد، ما باید در فاصله بین تئوری و مشاهداتمان رفت و آمد داشته باشیم، چون آزمایشگاه دانشجوی این رشته جامعه است و باید با توجه به مطالبی که خواندیم، مشاهداتی هم داشته باشیم.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

۲- تعاملات اندک اساتید با یکدیگر: بین اساتید جامعه‌شناسی تعاملات اندکی وجود دارد. این مقوله نیز نشان از فقدان پارادایم‌ها و ضعف در اجتماعات علمی دارد؛ زیرا تعاملات و کنش متقابل اساسی‌ترین بخش از وجود اجتماعات علمی است و همین ارتباطات و تعاملات، سرمنشأ بحث‌های علمی و رسیدن به توافق در مورد مباحث علمی است. تعاملات اندک بین اساتید نشان‌دهنده فردگرایی بین آن‌ها است. بنابراین، انتخاب موضوعات و اولویت‌های تحقیقاتی آن‌ها نیز به صورت فردی انجام می‌شود. در نتیجه، جامعه‌پذیری دانشجویان نیز در چنین فضایی شکل می‌گیرد. همچنین دانشجویان با موضوعات، مباحث و اولویت‌های تحقیقاتی رشته‌شان (که حاصل مباحثه‌های جمعی است) از طریق اساتید آشنا نمی‌شوند و یکی از پیامدهای آن می‌تواند در مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی پایان‌نامه نمایان شود. در نتیجه، تعاملات اندک از یک سو نشان دهنده ضعف در اجتماعات علمی و از سوی دیگر نشان از فقدان پارادایم‌ها دارد. زیرا اجتماعات علمی شامل کنشگرانی است که در یک پارادایم واحد شریک هستند و بین دو مفهوم مذکور رابطه‌ای دوری وجود دارد و هر گونه ضعف در یکی از موارد باعث ضعف و مشکل در مفهوم دیگر می‌شود.

« این خیلی خوب است که اساتیدی که درس‌های مشترک تدریس می‌کنند، دور هم بنشینند و بحث کنند و با یکدیگر هماهنگی کنند؛ ولی این کار هم خیلی کم صورت گرفته است. سیستم آموزشی دانشگاه به این سمت می‌رود که این تعامل را میان اساتید درس مشترک فراهم کند.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

« در بین اساتید ما، فردگرایی مفرط وجود دارد و می‌توان گفت ساختارهای علم تا حدی متناسب با ساختارهای اجتماعی در جامعه است. مثلاً، در جامعه هم نظام مدیریتی به صورت جزایر پراکنده است.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

۳- فقدان بحث‌های علمی در گروه‌های جامعه‌شناسی: با توجه به دیدگاه اساتید مصاحبه شونده؛ در گروه‌های جامعه‌شناسی بحث‌های علمی بین اساتید صورت نمی‌گیرد و فقط بحث‌هایی در ارتباط با مسائل اداری و اجرایی مطرح می‌شود. مقوله مذکور در واقع تکمیل کننده مقوله قبلی است؛ زیرا در مقوله قبلی ذکر شد که به طور کلی تعاملات بین اساتید اندک است و بنابراین این مقوله تأیید کننده مقوله قبلی است.

بحث‌های علمی باید مبتنی بر گروه‌ها و حوزه‌های مشخص باشد. به عبارت دیگر، تمام کنشگرانی که نوع نگاهشان به جهان یکسان است (پارادایم‌های مشخص) و در این صورت بحث‌های علمی انسجام می‌یابد. بنابراین، زمانیکه بحث‌های علمی در گروه‌های جامعه‌شناسی وجود ندارد؛ همین عامل بدین معناست که گروه‌های مشخص به لحاظ مکتبی و با توجه به پارادایم‌ها شکل نگرفته‌اند که به تعاملات و بحث‌های علمی بپردازند. بنابراین، انتخاب موضوعات و اولویت‌های تحقیقاتی براساس پارادایم‌ها صورت نمی‌گیرد و انتخاب اولویت-های تحقیقاتی به صورت فردی در بین اساتید تشدید می‌شود. در نتیجه دانشجویان –همانند مقوله قبلی- با اولویت‌های تحقیقاتی در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی که حاصل بحث‌های علمی است از طریق اساتید آشنا نمی‌شوند و یکی از پیامدهای آن، ایجاد مشکلاتی در مسئله-یابی برای دانشجویان می‌شود.

« گروه‌های علمی ما فقط ناظر بر یک سری کارهای اجرایی هستند. مثل واگذار کردن دروس به اساتید، تأیید پایان‌نامه‌ها و امثال آن؛ ولی در واقع اینکه بحث‌های علمی جدی بین اعضا در بگیرد و این‌ها به صورت گروه با یکدیگر ارتباط داشته باشند و درباره مسائل و موضوعاتی به رایزنی بپردازند و حتی بتوانند یک رویه‌ها و قواعد خاصی را پایه گذاری کنند، وجود ندارد.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

٤- تعاملات اندک بین استاد و دانشجو: در مصاحبه با اساتید و دانشجویان، هر دو گروه اذعان داشتند که تعاملات بسیار اندکی بین اساتید و دانشجویان وجود دارد. مقوله مذکور را نیز می‌توان همانند مقوله «تعاملات اندک اساتید با یکدیگر» و با توجه به مفاهیم پارادایم و اجتماع علمی تشریح نمود؛ ولی با این تفاوت که این مقوله در تبیین مشکلات دانشجویان در مسئله-یابی پایان‌نامه، نقش مهم‌تری را ایفا می‌نماید. زیرا تعاملات با اساتید نقش بسیار مهمی در

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

جامعه‌پذیری دانشجویان دارد و ارتباطات مداوم و پیوسته دانشجویان با اساتید می‌تواند راهگشای دانشجویان در پیوستن به پارادایم‌ها و اجتماعات علمی تخصصی شود. همچنین، دانشجویان در تعاملات با اساتید می‌توانند با مسائل جدید آشنا شوند و در نهایت از طریق مباحثه‌های علمی به سؤال جامعه‌شناختی مورد نظر برای مسئله‌یابی دست یابند. به علاوه، دانشجویان زمانیکه در چنین فضایی قرار می‌گیرند که تعاملات بسیار اندکی بین آن‌ها و اساتید آن‌ها وجود دارد، در نتیجه جامعه‌پذیری دانشجویان نیز در چنین فضایی شکل می‌گیرد و به صورت ناخودآگاه این شیوه را به عنوان عاملی بدیهی تلقی می‌کنند که می‌تواند پیامدهای نامناسبی را به همراه داشته باشد. نکته قابل توجه اینکه، مطالب مذکور به معنای مطلق نیست و این مطالب نشان دهنده چگونگی تعاملات بین استاد و دانشجو در بین اکثریت دانشجویان است و مواردی نیز مشاهده می‌شود که دانشجو دارای تعامل خوبی با اساتید است که به نظر می‌رسد نقش ویژگی‌های شخصیتی در اینجا پررنگ شده است.

« امکانش نیست که من با استاد تعامل علمی داشته باشم، چون اساتید وقتش رو ندارن. ولی تا اون جایی که نیاز دارم یعنی تا جایی که فکر می‌کنم یک چیزی برام سؤاله و باید به جواب برسم، با استادا صحبت می کنم. ولی خیلی وقت ها به خاطر نبود وقت و این جور مشکلات نمی شه با اساتید صحبت کرد. به خاطر اینکه تعداد دانشجوها خیلی زیاده و وقت استاد هم کمه و استاد وقت نداره. پس باید فقط از کلاس ها استفاده کرد.» (مریم- دانشگاه علامه).

« اکثریت دانشجوها تعامل اندکی با اساتید دارند. بعضی اساتید وقت ندارند که با بچه‌ها حرف بزنند و این هم خیلی بد است. استاد باید دو کار انجام دهد: درس دادن و اینکه باید در اتاقش بنشیند تا دانشجوها بیایند و صحبت کنند. این هنوز در ایران جا نیفتاده، همه فکر می کنند که استاد باید درسش رو بده و بره. اتفاقاً باید درسش رو بده و بعد تو اتاقش بمونه که بچه‌ها بیایند و صحبت کنند و بحث کنند و این یک مشکل است که امیدوارم روزی وضعیت بهتری پیدا کنه.» (استاد جامعه‌شناسی- دانشگاه تهران).

۵- تعاملات اندک دانشجو با دوستان: با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه با دانشجویان، تعاملات دانشجویان با دوستان وضعیت مناسب‌تری نسبت به تعاملات با اساتید دارد؛ ولی همچنان می‌توان این تعاملات را اندک دانست. به علاوه، در جریان مصاحبه‌ها

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مشاهده شد؛ دانشجویانی که با دوستان خویش ارتباطات، تعاملات و بحث‌های علمی داشته‌اند، با مشکلات کمتری در مسئله‌یابی پایان‌نامه مواجه بوده‌اند. این نکته در مورد تعاملات با اساتید هم مشاهده شد. همچنین برخی از دانشجویان، ارتباطات با دوستان را به عنوان جایگزینی برای تعاملات با اساتید مطرح می‌کردند. در حالیکه برخی از دانشجویان نیز به دلایلی از مباحثه‌های علمی و تعاملات با دوستان اجتناب می‌ورزیدند. یکی دیگر از نکاتی که در مصاحبه‌ها مشخص شد این بود که بسیاری از دانشجویان در ابتدای ورود به دوره کارشناسی ارشد، بحث‌های گروهی و حلقه‌های مطالعاتی جمعی را تجربه نموده‌اند، ولی این بحث‌های گروهی و حلقه‌های مطالعاتی ادامه پیدا نکرده است.

مقوله مذکور نیز نشان دهنده فقدان پارادایم‌ها و ضعف در اجتماعات علمی است، زیرا اگر حلقه‌های فکری با توجه به پارادایم‌ها شکل گرفته بودند، دانشجویان قطعاً با دوستان خویش در هر حلقه فکری، بحث‌ها و تعاملات بسیاری را با توجه به هنجارهای موجود در هر پارادایم تجربه می‌کردند و در چنین فضایی جامعه‌پذیر می‌شدند. در نهایت دانشجویان زمانیکه به مرحله مسئله‌یابی می‌رسیدند با مشکلات کمتری روبرو می‌شدند. در حالیکه نتایج پژوهش حاضر، نشان‌دهنده مشکلات دانشجویان در مسئله‌یابی پایان‌نامه است.

« تعاملاتم با دوستانم خیلی کمه. چند بار حلقه‌های کتابخوانی رو با دوستانم تشکیل دادیم که متن بخونیم و چند بار این جلسه‌ها رو تشکیل دادیم ولی ادامه پیدا نکرد. ***چرا؟*** *چون همه پراکنده شدن و دنبال کار خودشون رفتن.* ***تو دوست داشتی که جلسات ادامه پیدا کنه؟*** *آره خیلی خوب بود، ولی بعدش هر کُدوم یک طرف رفتیم و خودمون رو جدی نگرفتیم. انگار خودمون رو باور نداشتیم، انتظار داشتیم که یک استاد یا یک ناظر بیرونی راه رو به ما نشون بده و بگه که کدوم کتاب‌ها رو بخونید.» (آیدا- دانشگاه تهران).*

در انتهای یافته‌های این بخش و در پاسخ به این سؤال که مقولات به دست آمده تا چه میزان تبیین کننده مشکلات دانشجویان جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه هستند؛ یا به عبارت دیگر آیا فرضیه تحقیق در شرایط جامعه ایران تأیید می‌شود یا خیر، می‌توان بیان نمود: تأیید یا رد فرضیه‌ها در پژوهشی با روش کیفی متفاوت است از پژوهشی با روش کمی. زیرا در پژوهشی با روش کیفی و در جریان مصاحبه‌ها فقط پاسخِ سؤالات مصاحبه مشخص نمی‌شوند

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

(مانند روش کمی) و همواره در جریان مصاحبه‌ها سؤالات دیگری نیز با توجه به پاسخ مصاحبه شوندگان شکل می‌گیرند که باعث می‌شود پاسخ به سؤالات مصاحبه از عمق بیشتری برخوردار شود و همچنین، اطلاعات دیگری نیز از مصاحبه‌ها به دست آید. بنابراین، تأیید یا رد فرضیه‌ها در پژوهشی با روش کیفی با قطعیت همراه نیست، بر خلاف روش کمی که فرضیه‌ها یا رد می‌شوند یا تأیید. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل، فرضیه تحقیق تا اندازه زیادی می-تواند تبیین کننده مشکلات دانشجویان جامعه‌شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه باشد؛ زیرا نتایج تحقیق به طور کلی، نشان از فقدان پارادایم‌ها و ضعف در اجتماعات علمی در جامعه‌شناسی ایران داشتند.

نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر دو پرسش مطرح شدند و نتایج تحقیق براساس آن پرسش‌ها شکل گرفتند. نتایجی که در پاسخ به سؤال یک به دست آمدند؛ نشان‌دهنده مشکلات دانشجویان جامعه-شناسی در مسئله‌یابی پایان‌نامه است. مشکلاتی که در نهایت انجام پژوهش‌های علمی را در دانشگاه‌ها با مشکلات جدی مواجه می‌نماید. به عبارت دیگر، نتایج توصیفی تحقیق از مشکلات پژوهشی در نظام آموزش عالی و دانشگاه حکایت دارند. در نتیجه یکی از هدف‌های اصلی آموزش عالی (پژوهش) با مشکلات جدی مواجه است. نتایجی که تحقیقات پیشین نیز آن را تأیید می‌کنند. محمدعلی و فروغ تصدیقی (۱۳۸۸) معتقدند: « یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین ضعف‌های نظام تحقیقاتی کشور در این واقعیت رخ می‌نماید که آموزش عالی صرفاً به نقش آموزشی خود تحلیل یافته است.» (تصدیقی و تصدیقی،۱۳۸۸). به علاوه در پژوهشی دیگر مطرح شده است که « دانشگاه‌های ما با جهت‌گیری‌های آموزش محور، شخصیت‌های آموزشی تربیت می‌کنند. امروزه در کلاس‌های درس حتی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بیشتر آموزش مستقیم صورت می‌گیرد و نه برانگیختن حس تحقیق و خلاقیت در دانشجویان.» (شکیبایی، قورچیان و خلخالی، ۱۳۸۸). بنابراین، تأکید بسیار بر آموزش و نادیده گرفتن پژوهش در دانشگاه‌ها می‌تواند تولید علم در نظام آموزش عالی و به طور کلی در کشور را دچار پیامدهای منفی نماید. همچنین، به منظور بررسی مشکلات پژوهشی در نظام آموزش عالی و دانشگاه می‌توان مسئله‌یابی و انتخاب موضوعات پژوهشی را در سایر رشته‌های

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

دانشگاهی نیز مورد بررسی قرار داد و در نهایت براساس شباهت‌ها، تفاوت‌ها و نتایج حاصل راهکارهای مناسبی را به منظور کاهش مشکلات ارائه نمود.

نتایجی که در پاسخ به سؤال دو به دست آمدند؛ مشکلات دانشجویان جامعه‌شناسی در مسئله-یابی پایان‌نامه را تبیین می‌کنند و تبیین آن‌ها براساس فرضیه تحقیق صورت گرفته است. فرضیه‌ای که بر فقدان پارادایم‌ها و ضعف در اجتماعات علمی در جامعه‌شناسی ایران مبتنی بوده است. نکته شایان ذکر اینکه هدف در مطالعه حاضر بررسی کامل و همه جانبه پارادایم‌ها و اجتماعات علمی در جامعه‌شناسی نبوده است؛ بلکه فقدان پارادایم‌ها وضعف در اجتماعات علمی تخصصی با توجه به هدف و مسئله تحقیق و همچنین با توجه به رابطه دوری بین دو مفهوم مذکور مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل نیز بیان شده‌اند. نتایجی که به دلیل استفاده از روش تحقیق کیفی از عمق و انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار هستند. همچنین، نتایج حاصل در پژوهش‌های آتی می‌توانند با استفاده از روش کمی نیز مورد آزمون قرار گیرند.

در این زمینه، تحقیقات قانعی‌راد (۱۳۸۳ و۱۳۸۵) و محسنی‌تبریزی، قاضی‌طباطبایی و مرجائی (۱۳۸۹) نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. قانعی‌راد (۱۳۸۳) به بررسی وضعیت رشته جامعه‌شناسی در ایران پرداخته است و معتقد است که دانش جامعه‌شناسی در ایران به عنوان یک پارادایم شکل نگرفته است و در موقعیت پیش الگویی قرار دارد. «جامعه‌شناسی ایران فاقد پیکره مشترکی از باورهای بدیهی است و لذا هر پژوهشگر مجبور است حوزه کار خود را از پایه‌هایش بسازد. جامعه‌شناسان در خصوص مجموعه معیاری از روش‌ها یا پدیده‌ها –که خود را ملزم به کاربرد و توضیح آن‌ها بدانند– با همدیگر توافق ندارند. انتخاب پدیده‌ها، داده‌ها و روش‌ها در جامعه‌شناسی ایران یک فعالیت اتفاقی و تصادفی است و انتخاب تصادفی موضوعات پژوهشی در بین اساتید و دانشجویان دیده می‌شود.» (قانعی‌راد، ۱۳۸۳). به علاوه، قانعی‌راد (۱۳۸۵) براساس پژوهشی در میان برخی از اساتید رشته‌های علوم‌اجتماعی در تهران به توصیف وضعیت اجتماع علمی در این رشته پرداخته است. نتایج تحقیق قانعی‌راد نشان می-دهد: «اساتید و پژوهشگران علوم اجتماعی همکاری‌های پژوهشی اندکی با همدیگر دارند و ارتباطات و تعاملات بین آن‌ها در سطوح سازمانی و انجمنی پایین است. همچنین، همکاری پژوهشی بین اساتید و دانشجویان اندک است. با توجه به میزان همکاری اساتید علوم‌اجتماعی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

می‌توان از رواج فردگرایی پژوهشی و ضعف تعامل در فرایندهای تعیین مسائل و اولویت‌ها، اجرا و مستندسازی پژوهشی سخن گفت.» (قانعی‌راد، ۱۳۸۵). همچنین؛ محسنی‌تبریزی، قاضی‌طباطبایی و مرجائی (۱۳۸۹) به ضعف اجتماعات علمی و ضعف در تعاملات بین اساتید و اساتید با دانشجویان اشاره کرده‌اند. « ضعف در همکاری‌های گروهی و تعاملات علمی بین استادان، ضعف در پیوندها و همبستگی اجتماعی لازم برای شکل‌گیری اجتماعات علمی، مشارکت ضعیف استادان دپارتمان در اجتماعات علمی، تعاملات ضعیف بین استادان و دانشجویان در درون فضای محیط علمی دپارتمان و بی‌قوارگی و شکل‌گیری ضعیف اجتماع علمی از جمله موانع نهادی موثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی است.» (محسنی‌تبریزی، قاضی-طباطبایی و مرجائی، ۱۳۸۹).

در جریان مصاحبه با اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی، راهکارهایی به منظور کاهش مشکلات دانشجویان مشخص شده‌اندکه عبارتند از: الف) شکل گیری جلساتی در ارتباط با پایان‌نامه در دوره آموزشی کارشناسی ارشد (از شکل گیری ایده تا انتخاب مسئله و حتی انجام فصل به فصل پایان‌نامه)؛ ب) راهکار دیگر در جریان مصاحبه با یکی از دانشجویان دانشگاه تهران مشخص شد. بدین صورت که به منظور انتخاب مسائل تحقیقاتی کلاسی، هر یک از دانشجویان موضوع خود را در کلاس مطرح می‌کرده است و دانشجویان حاضر در کلاس نظرات‌شان را در ارتباط با موضوع بیان می‌کرده‌اند و در نهایت، مسئله خاص‌تر و دقیق-تر می‌شده است؛ ج) راهکار دیگر در این زمینه آن است که اساتید در ابتدای هر ترم، حوزه-های تحقیقاتی خویش را به دانشجویان اعلام نمایند و بدین ترتیب دانشجویان از ابتدا با حوزه‌های تحقیقاتی اساتید و مسائل مهم در هر حوزه آشنا می‌شوند. البته این کار می تواند به صورت برنامه ریزی شده توسط گروه‌های جامعه‌شناسی در ابتدای ورود دانشجویان کارشناسی ارشد به دانشگاه صورت پذیرد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع:

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۸). "جامعه‌شناسیِ جامعه‌شناسی در ایران"، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
استونز، راب (۱۳۷۹). "متفکران بزرگ جامعه‌شناسی (مقاله گئورگ زیمل: پاتریک واتی یر)"، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
بلیکی، نورمن (۱۳۸٤). *"طراحی پژوهش‌های اجتماعی"*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
پوپر، کارل(۱۳۸۳). *"زندگی سراسر حل مسئله است"*، ترجمه: شهریار خواجیان، تهران: نشر مرکز.
تصدیقی، محمدعلی؛ تصدیقی، فروغ (۱۳۸۸). "موانع تحقیق و فرهنگ پژوهش در نظام آموزش عالی"، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، شماره ۳۵ و۳٦.
توکل، محمد(۱۳۸۹). *"جامعه‌شناسی علم (مباحث نظری)"*، تهران: جامعه‌شناسان.
چالمرز، آلن‌اف(۱۳۸۷). *"چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی"*، ترجمه: سعید زیبا کلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
ساعی، علی (۱۳۸٦). "منطق حل مسئله علمی"، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ص ۱۵۲-۱۱۷.
شارع‌پور، محمود و فاضلی محمد (۱۳۸٦)."*جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران*"، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
شکیبایی، زهره، قورچیان، نادرقلی و خلخالی، علی (۱۳۸۸). «ارائه مدلی برای ایجاد دانشگاه پژوهشی در نظام آموزش عالی»، *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار)*، سال سوم، شماره ۳، ص ۸۳-٦۹.
فاضلی، محمد(۱۳۸۰). *"بررسی پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی انقلاب از دیدگاه جامعه‌شناسی علم"*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
فلیک، اووه (۱۳۸۷). *"درآمدی بر تحقیق کیفی"*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
قانعی‌راد، محمد امین (۱۳۸۳). "گفت و گوهای پیش الگویی در جامعه‌شناسی ایران"،*مجله جامعه-شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۱، ص ۳۹-۵ .
قانعی‌راد، محمد امین (۱۳۸۵). "وضعیت اجتماع علمی در رشته علوم اجتماعی"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۷.
کرایب، یان (۱۳۸۹). *"نظریه اجتماعی کلاسیک"*، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران: نشر آگه.
کوهن، توماس س .(۱۳٦۹). *"ساختار انقلاب‌های علمی"*، ترجمه: احمد آرام، تهران: سروش.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

گلوور، دیوید ، استرابریج، شیلاف و توکل، محمد (۱۳۸۳). *"جامعه‌شناسی معرفت و علم"*، مترجمان: شاپور بهیان، حامد حاجی حیدری، جمال محمدی، محمد رضا مهدی زاده، حسن ملک، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

محسنی‌تبریزی، علیرضا، قاضی‌طباطبایی، محمود و مرجائی، سیدهادی (۱۳۸۹). "تاثیر مسائل و چالش‌های محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی"، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۵، ص ٦۷-٤۷.

Bryant, C.G.A. (1975). "Kuhn, Paradigms and Sociology", *The British Journal of Sociology*, Vol.26, No.3, PP.354- 359.

Deegan, M .and Hill, M.R. (1991). "Doctoral Dissertations as Liminal Journeys of the self: Betwixt and between in Graduate Sociology Programs"**,***Teaching Sociology*, vol.19, No.3,pp.322-332.

Eckberg, D.L. and Hill, L. (1979). "The Paradigm Concept and Sociology : A Critical Review", *American Sociological Review*, vol.44, No.6. pp. 925-937.

Jacobs, S. (1987). "Scientific Community: Formulations and Critique of a sociological motif", *The British Journal of Sociology*, Vol, 38, NO.2,pp. 266- 276.

Leslie, L.L. and .Swiren, J.M. and Flexner,H. (1977)."Facultly Socialization and Instructional Productivity", *Research in Higher Education*, vol.7, No.2, pp.127-143.

Moore, S. (1992). *Revise Sociology: a complete revision course for GCSE*, London: BPP LETTS Educational LTD.

Oh, Y. (2001). "Master's thesis writing from a narrative approach"**,***Studies in higher education*, volume: 26, pp.21-34.

Weidman, J.C. and. Stein, E.L. (2003). "Socialization of Doctoral Students to Academic Norms", *Research in Higher Education*, vol.44, No.6, pp. 641-656.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]